

روش قصه‌گویی در تربیت اخلاقی از نگاه شهید مطهری

حامد خانی (فرهنگ مهروش)*

چکیده

مرتضی مطهری از منادیان برجسته اخلاق در ایران معاصر است. وی افزون بر کوشش‌های نظری گسترده برای استوار کردن پایه‌های نظری نهضت اسلامی، با نگارش آثاری به زبان ساده برای مخاطب عمومی در ترویج ارزش‌های اخلاقی خاصی نیز کوشید. اگر بنا باشد اندیشه اصلاح‌گرانه اخلاقی وی شناخته شود، مطالعه همین دسته از آثار وی ضرورت است؛ چراکه نشان می‌دهند از نگاه او ترویج کدام ارزش‌ها در ایران دهه ۱۳۵۰ - ۱۳۴۰، در اولویت قرار داشته، و از دیگر سو، در آستانه تحول اجتماعی بزرگ ایران، کدام نگرش‌های اخلاقی ترویج شده است. این‌میان، یک اثر برجسته و تأثیرگذار، کتاب داستان راستان اوست. در این مطالعه کوشش خواهد شد که تحلیل‌ها از جایگاه و کارکرد این کتاب از نگرشی انتقادی مرور، و آن‌گاه با تحلیل محتوای این کتاب، راهی فراسوی شناخت رویکرد شهید مطهری به اصلاح اجتماعی و درک اندیشه‌های اخلاقی وی جستجو شود. با این مطالعه بناست که دریابیم قضاوت‌های عمومی و رایج درباره هدف تألیف، مخاطبان، و رویکرد کلی اثر چیست؛ همچنان که نسبت میان اندیشه مؤلف را با درک سنتی و رایج ایرانیان آن عصر از اخلاق اسلامی از یک سو، و از دیگر سو، با ارزش‌های طبقه دانشگاهی جدیدی که در آن عصر به تازگی شکل گرفته بود، بازخواهیم جست.

واژگان کلیدی

مطهری، داستان راستان، انقلاب اسلامی، تاریخ اخلاق، ادبیات داستانی، اصلاح اجتماعی، آسیب‌شناسی دین‌داری عامیانه.

mehrvas@hotmai.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

* دانشیار گروه الاهیات، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۴

طرح مسئله

یکی از رایج‌ترین شیوه‌ها در آموزش اخلاقی، استفاده از قصه‌گویی است. کاربرد این روش از دوران‌های دیرین در فرهنگ‌های مختلف رواج داشته، و تا دوران معاصر از رونق نیفتاده است. از میان آثار ادبی مهم دوران معاصر که چنین رویکردی را برای ترویج اندیشه‌های اخلاقی برگزیده‌اند، می‌توان از *داستان راستان شهید* مطهری یاد کرد. اثری که بی‌تردید نقش مهمی در تربیت اخلاقی چند نسل از مردم ایران داشته است.

داستان راستان، کتابی است در بردارنده ۱۲۵ داستان کوتاه با مضمون اخلاقی و مخاطب عمومی و نثری روان در دو جلد با قطع جیبی و حجمی حدود ۵۰۰ صفحه ۱۵۰ کلمه‌ای، از شهید مرتضی مطهری. (۱۳۵۸ - ۱۲۹۸) این اثر نخستین بار در سال ۱۳۳۹ به چاپ رسیده، و از آن زمان تاکنون بارها، شاید بالغ بر دو میلیون نسخه تکثیر، در قالب اشکال مختلف هنری بازتولید، و محور آموزش‌های اسلامی برای کودکان، و نماد ادبیات دینی شده است.

به‌ندرت می‌توان کسی را در ایران سراغ گرفت که نام کتاب را نشنیده، یا به‌نحوی، با چندین داستان از آن آشنا نشده باشد. با این‌حال، گرچه ۵۴ سال از نشر نخستین کتاب می‌گذرد، و درباره آن اظهارنظرهای بسیار شده، هنوز ابهاماتی تأمل‌برانگیز درباره‌اش باقی است.

یک ابهام درباره مخاطبان اثر از نگاه مؤلف است. معمولاً چنین تصور می‌شود که شهید مطهری داستان راستان را برای پاسخ‌گویی به نیاز «نوجوانان» و «کم‌سوادان» در دهه ۱۳۴۰ تألیف نموده است. (ر. ک: کرمی، ۱۳۸۲: ۳۳۷؛ علیان‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹۹؛ فتاحی، ۱۳۷۹: ۶۳؛ جهانگرد، ۱۳۶۷: ۵۵۱؛ نیز برای حذف از طرح مطالعاتی آثار استاد به‌همین سبب ر. ک: هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۷؛ برای تحلیل و تبیین این رویکرد ر. ک: دیبانی، ۱۳۶۶: ۷۴ - ۷۵؛ برای مخالفت‌ها با این رویکرد ر. ک: مرشدزاده، ۱۳۸۹: ۱۶۱؛ یزدی، ۱۳۸۶: ۸۶)

فراتر از اختلاف‌ها درباره مخاطب اثر، هدف از تألیف آن هم به‌درستی مشخص نیست. به‌نظر می‌رسد مؤلف در این اثر داستان‌هایی را کنار هم نهاده، که پیش از این عمری با آنها انس داشته، و در آنها حکمت و عبرت می‌جسته است. این مسئله را می‌توان از ارجاعات متعدد مطهری در سخنرانی‌ها و آثار مکتوبش به حکایات مختلف اثر دریافت. (ر. ک: مطهری، ۱۳۶۲: ۱۲۱؛ همو، ۱۳۶۷: ۱۲۹؛ همو، ۱۳۷۰: ۱۷۵) وی حتی درباره یکی از داستان‌های مندرج در اثر به‌صراحت بیان می‌دارد که خود سال‌ها پیش از تألیف داستان راستان وقتی برای نخستین بار با این حکایت روبه‌رو شده، به شدت متأثر گردیده است. (مطهری، ۱۳۶۱: ۳۷) با این‌حال، به غیر از آنکه کلی‌گویانه هدف از تألیف کتاب را آموزش اخلاقی در قالب داستان‌های واقعی از تاریخ بیان می‌دارد، (ر. ک: مطهری، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۶) هیچ توضیح نمی‌دهد که ملاک وی برای انتخاب داستان‌ها چیست.

این میان، منتقدان مختلف تحلیل‌های متفاوت و متناقضی از هدف و رویکرد مطهری در این اثر بازنموده‌اند. (دژاکام، ۱۳۷۹: ۳۵۴؛ ناجی، ۱۳۸۴: ۶۳؛ بسطامی، ۱۳۷۴: ۱۰۷) اغلب چنین تصور می‌شود که در تألیف این اثر، هیچ هدف مشخصی را نمی‌توان جست؛ چرا که محتوای کتاب متشکل از تعداد قابل‌توجهی داستان‌های مستقل است و باید به هر یک از داستان‌ها چون یک واحد موضوعی، مستقل نگریست. مطالعه پیش‌رو دربردارنده نگرشی انتقادی به همه رویکردهای پیش‌گفته است. می‌خواهیم با مرور شواهد امر دریابیم که اولاً، مهم‌ترین پیامی که مطهری برای انتقال آن، داستان راستان را تألیف نموده، کدام است؛ ثانیاً، اصلی‌ترین مخاطب داستان راستان در زمان تألیف چه کسانی بوده‌اند؛ و ثالثاً، جایگاه این اثر امتداد تاریخی کدامین جریان فکری در جامعه ایران است.

زمینه‌های توجه شهید مطهری به داستان‌های اخلاقی

پیش از تألیف داستان راستان، علی دوانی در مجله مکتب اسلام داستان‌هایی از تاریخ اسلام را به بیان ساده نوشته بود؛ حکایاتی که ضمن مجموعه داستان‌های ما در چند جلد منتشر می‌شد. (تهران، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۴۲) مطهری وقتی داستان‌های وی را در مجله مکتب اسلام دید، از عزم خود برای پرداختن به چنین کاری گفت. (دوانی، بی‌تا: ۷) با این حال، عملی شدن این پیشنهاد و تألیف داستان راستان، به پیشنهاد برخی بانیان شرکت سهامی انتشار (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۰؛ مکارم، ۱۳۸۹: ۳۴) در سال ۱۳۳۹ روی داد. (ر. ک: مجیدی، ۱۳۴۹: ۱۸۲) وی بعد از نگارش حواشی مشهور فلسفی‌اش بر اصول فلسفه و روش رئالیسم طباطبایی، به تألیف این اثر مبادرت ورزید. (ر. ک: مطهری، ۱۳۶۳: ۱۶)

چنانچه مؤلف خود ضمن مقدمه داستان راستان بیان می‌کند، کوشیده است که در این اثر حکایات آموزنده‌ای را از گزارش‌های تاریخی، به‌ویژه تاریخ اسلام و بزرگان دین، استخراج نماید. (مطهری، ۱۳۶۳: ۱ / ۹) گرچه متعمدانه هیچ داستانی از قرآن کریم را در اثر خویش بازنویسی نکرده است و آن را رسالتی مستقل می‌شناساند، الگوی تألیف خود را قرآن کریم بازمی‌نماید؛ چه، قرآن خود نخستین کتابی است که داستان «راستان» را بیان می‌دارد. (همان: ۱۷) مطهری در مقدمه، اختصاص دادن داستان‌های کتاب را به حکایات عالمان شیعه، نوعی اعمال جمود و تعصب می‌شناساند (همان: ۱۳ - ۱۲) و بدین‌سان در گزینش داستان‌ها برای خود هیچ محدودیتی از این حیث قائل نمی‌شود. وی با این مبنا که صلاح و فساد خواص و عوام در یکدیگر اثر می‌نهد، کتاب را برای سطوح علمی پایین جامعه و عوام نوشته است؛ بدین امید که با اصلاح اینان خواص هم اصلاح شوند. وی معتقد است این عوام خضوعشان در پذیرش حقیقت بیش از خواص است. (همان: ۱۵ - ۱۳) چنین مطالب کتاب در ظاهر از هیچ فصل‌بندی دقیقی

پیروی نمی‌کند. شهید مطهری در طرح داستان‌ها تعمد به خرج داده است که نتیجه‌گیری از آنها را به خواننده واگذرد و زمینه‌ای برای مشارکت خواننده و برقراری ارتباط عاطفی میان او با داستان پدید آورد. (همان: ۱۲ - ۱۱؛ خلیلی، ۱۳۶۲: ۱۸۷)

وی نام کتاب را به سه اعتبار داستان راستان می‌نهد؛ یکی از این حیث که داستان‌ها درباره اشخاصی از راستان و نیک‌نامان جهان است، دوم از این حیث که خوانندگان داستان از راستان و پاکان و نیک‌جویانند، و سوم از این حیث که داستان‌هایی راست و حقیقی است. (مطهری، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۳) مطهری هیچ اشاره نمی‌کند که الهام‌بخش او برای کاربست تعبیر ادبی «داستان راستان» در عنوان کتاب چه منبعی بوده است. به نظر می‌رسد مطهری به اقتضای آشنایی نزدیک‌تر با زبان و ادب سعدی، در نام‌گذاری این اثر از شعر وی تأثیر پذیرفته باشد؛ آنجا که در بوستان می‌گوید:

به گیتی حکایت شد این داستان رود نیکبخت از پی راستان
سعدی، ۱۳۵۶: ۲۴۳

او بنا داشت که در هر جلد، یکصد حکایت بگنجاند. با توجه به جنس کاغذ فراهم شده و قطع جیبی کتاب، کارشناسان نشر وی را متقاعد کردند که به ۷۵ داستان برای هر یکی بسنده کند. (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۸) نشر دقیق اثر هم با کوشش فراوانی پی گرفته شد. مثلاً در شرایطی که بسیاری کتب مشهور تاریخی از فهرست اعلام برخوردار نبود، نمایه دقیقی برای آن فراهم کردند. (یزدی، ۱۳۸۶: ۸۶؛ محبوب، ۱۳۸۷: ۲۱)

تنها سه سال پس از تألیف جلد اول اثر، (دی‌ماه ۱۳۴۲ ش / شعبان ۱۳۸۳ ق) وقتی هنوز جلد دوم از چاپ درنیامده بود، (نک: تاریخ مقدمه جلد دوم اثر) با مطهری تماس، و از وی اجازه گرفتند که داستان‌های کتاب را در یک برنامه رادیویی مخصوص ماه رمضان عرضه کنند (مطهری، ۱۳۹۱: ۲ / ۱۰) این برنامه که از آغاز «داستان راستان» نامیده شد، بعد از ماه رمضان هم در ایام تعطیل مذهبی ادامه پیدا کرد؛ امری که نتیجه پذیرش عمومی اثر بود.

داستان راستان در سال ۱۳۴۴، جایزه کمیسیون ملی یونسکو را برای مؤلفش به همراه آورد (نویسنده ناشناس ج، ۱۳۴۴، سراسر اثر) و تا سال ۱۳۴۹ شش بار تجدید چاپ شد. پیش از این مطهری به‌جهت تألیف حواشی اصول فلسفه و روش رئالیسم نیز، برنده جایزه سلطنتی کتاب سال شده بود. (مجیدی، ۱۳۴۹، ۱۸۲) این اثر برای او به قول خودش سود مادی فراوان در ازای صرف وقتی بسیار اندک به‌همراه داشت؛ حال آنکه وی برای نشر آثار علمی دیگر خویش، بسی بیش از این رنج برده، و در پایان هم بهره

مادی بسیار کمتری حاصل کرده بود. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۲۵)

تألیف این اثر که از آغاز با استقبال گسترده همراه بود، با نقدهایی نیز روبه‌رو شد. مطهری خود یادآور می‌شود که در طول نگارش اثر، بارها ایشان را نهی کردند از آنکه کتاب را با نام خود به چاپ رساند. (همو، ۱۳۶۳: ۱۵) این منتقدان معتقد بودند چاپ اثری برای عوام، در شأن یک عالم برجسته نیست. مطهری که این اعتراضات را نشان یک بیماری اجتماعی تلقی می‌کرد، (همان: ۱ / ۱۷) به کار خود ادامه داد. چنین اعتراضاتی بعد از تألیف و نشر اثر نیز، ادامه یافت. (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۲؛ مطهری، ۱۳۶۸: ۲۵۳)

یادداشت‌هایی از شهید مطهری باقی مانده که نشان می‌دهد وی می‌خواسته است جلد سوم *داستان راستان* را نیز بر پایه آنها پیش ببرد. (برای چند نمونه از این یادداشت‌ها، ر. ک: مرشدزاده، ۱۳۸۹: ۱۶۳ به بعد؛ مطهری، ۱۳۶۳: ج ۱ / ۱۸) گویا وی بنا داشته است که در مجلدات سوم و بعد، بیشتر به داستان‌های غیردینی پردازد و حکمت و اخلاق را در هر جا، هر چند آثار غیردینی بجوید. (ر. ک: مطهری، بی‌تا: ۱۶۳)

با پیروزی انقلاب، همچنان بر دامنه رواج اثر افزوده شد. افزون‌بر چاپ‌های فراوان و پرشمار، داستان‌های آن در قالب‌های مختلف بازتولید گردید. نویسندگانی مثل حمید گروگان، مصطفی رحماندوست، و مصطفی زمانی وجدانی به بازنویسی داستان‌ها برای کودکان و نشر هر داستان در قالب کتابی مستقل پرداختند. گذشته از تیراژ بالای خود اثر، برخی از این بازنویسی‌ها نیز در شمار پرفروش‌ترین کتاب‌های کودکان درآمدند و بیش از ۵۰۰ هزار نسخه به چاپ رسیدند. (ر. ک: سرشار، ۱۳۸۵: ۱۸) کل داستان‌های کتاب تلخیص هم شد و مستقل به چاپ رسید. (میری، ۱۳۸۱: سراسر کتاب) داستان راستان به نظم هم درآمد. (میرزایان بروجنی، ۱۳۷۸: سراسر کتاب)

فراتر از این، داستان راستان محور آموزش اخلاق اسلامی اصیل و مقبول به کودکان قرار گرفت. در چاپ جدید داستان راستان، تصویرگری‌های صادق صندوقی نقاش معاصر نیز بدان ضمیمه شد؛ (اکرمی، ۱۳۸۴: ۱۰۴) آن‌سان که برای مخاطب نوجوان جذاب‌تر باشد. گاه در مدارس، نمایشگاهی از داستان‌های مصور آن برپا کردند. (نویسنده ناشناس چ، ۱۳۶۴: ۴۸) گاه آن را برای آموزش نوآموزان نهضت سوادآموزی به کار گرفتند؛ (نویسنده ناشناس پ، ۱۳۷۳: سراسر اثر) زیرا نثر ساده و روان آن سبب می‌شد از معدود آثاری باشد که به واسطه آن خلأ آموزش به نوسوادان را پر کنند. (دیانی، ۱۳۶۶: ۶۵) در سال ۱۳۶۱ - ۱۳۶۰ مجموعه‌ای تلویزیونی بر اساس داستان‌های آن، (نویسنده ناشناس ت، ۱۳۷۸: ۱۰۱) و بعدها نیز پویانمایی‌هایی برپایه داستان‌های آن برای کودکان ساختند (نویسنده ناشناس ث، ۱۳۸۷: ۱۷)

این اثر به زبان‌های عربی،^۱ انگلیسی،^۲ فرانسه،^۳ قزاقی،^۴ اسپانیایی،^۵ ترکی،^۶ کردی،^۷ اردو،^۸ (رک: عامر، ۱۳۷۸: ۱۲۵) و ارمنی (نویسنده ناشناس الف، ۱۳۸۵: ۱۱؛ نویسنده ناشناس ب، ۱۳۸۵: ۲۲۹؛ شاکری، ۱۳۸۵: ۹) هم ترجمه گردید. (ر. ک: مرادی، ۱۳۷۸: ۷۳)

رواج گسترده داستان راستان در همان زمان حیات مطهری پیوند بسیاری از جوانان مذهبی با دیگر آثار وی را در پی داشت. (برای نمونه، رک: حداد عادل، ۱۳۶۲: ۵۶) مقبولیت سبک داستان‌گویی آن حتی سبب شد برخی مؤلفان به جستجوی داستان‌های اسلامی در دیگر آثار شهید مطهری برآیند و آنها را نیز مستقل به چاپ رسانند.^۹ (نیز برای تأثیر کتاب بر نویسندگان مذهبی پیش از انقلاب: زمانی وجدانی، ۱۳۶۸: پیشگفتار؛ نیشابوری، ۱۳۷۵: پیشگفتار؛ محقق، ۱۳۷۸: ۷۵ - ۷۴؛ رک: پورمند، ۱۳۸۳: ۳۳)

در نتیجه این توجهات گسترده، مدت کوتاهی پس از تألیف اثر، نامش به‌عنوانی عام برای یک ژانر تألیف داستانی نزدیک شد؛ آن‌سان که برخی دیگر هم از آن برای آثار خویش با مضمون داستان‌های واقعی دینی بهره جستند. برای نمونه، جلال‌الدین قدسی مجموعه داستان‌های قرآنی خود را داستان راستان براساس نصوص قرآن می‌نامد. (سقر، گوتار، ۱۳۹۲) این تعبیر نامی شد برای هر داستانی که ارزش اخلاقی و محتوای آموزشی داشته باشد. (ر. ک: پوراحمد، ۱۳۷۷: ۲۹۸) حتی در ترجمه کتاب جامع السعادات نراقی، (د ۱۲۰۹ ق) مترجم، از جمله حقوق کودک را آن دانست که والدینش «داستان راستان» را به وی بیاموزند؛ (مجتبوی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۳۱؛ نراقی، بی‌تا: ۲۳۴) امری که نشان می‌دهد چقدر کاربرد این تعبیر در دهه ۱۳۶۰ رایج و معنادار بوده است.

گاهی کتاب داستان راستان را در کنار کتاب‌هایی مثل کشف الاسرار و ولایت فقیه امام خمینی علیه السلام، از جمله آثار زمینه‌ساز برای پیروزی انقلاب اسلامی برشمرده‌اند. (خزایی، ۱۳۸۸: ۱۸؛ عیوضی، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

۱. قصص الابرار، قم، دار الفقه، ۱۳۸۲.

2. Anecdotes of pious men, Tehran, World Organization for Islamic services, 1983; The Narrative of veracious, tr. Reza Hamidi, Tehran, Department of Translation and Publication, Islamic Culture and Relations Organization, 1997.

3. Memovial des Justes, Tehran, Organisation de propagation Islamiqul, 1991.

4. Ақиқат жолындағы арыстар, tehran, Al-Hoda, 2001.

5. Traduccion Mezquita at-Tawhid, Boenos Aires, Sharq, 2010.

۶. دوزگون لر و دوغرونا غیل لار، ترجمه عبدالکریم منظوری خامنه، تهران، الهدی، ۱۳۷۲.

۷. داستانی راستان، ترجمه صدیق بوره کدی (صفی‌زاده)، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۰؛ چپروکین راست بیژان، ترجمه عباس مصلح، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۸. سچی کهانیان، ترجمه اختر مهدی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۹. صاحبی، محمدجواد، حکایت‌ها و هدایت‌ها، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴؛ روحانی، سعید، تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری، قم، مهر امیرالمؤمنین، ۱۳۸۲.

گاه نیز آن را با آثار فارسی علامه مجلسی و نهضت تألیف اثر برای عموم در عصر صفوی مقایسه کرده، و بعد از دوری گسترده عالمان مسلمان از تألیف داستانی برای عموم، این کتاب را آغازی دوباره برای توجه متفکران مسلمان به داستان‌نویسی دانسته‌اند. (ناجی، ۱۳۸۴، ۵۲) این اثر در میان دیگر آثار خود مطهری نیز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنان‌که هیچ‌یک چنین برخوردار از شهرت نگردیده‌اند. (فروغی، ۱۳۸۴: ۱۵۴)

از حیث ارزش ادبی نیز، داستان راستان همواره اثری پیش‌گام در نهضت ادبیات داستانی انقلاب اسلامی تلقی می‌شود. (فردی، ۱۳۷۹: ۵۸؛ صحرايي، ۱۳۸۷: ۷۴) حتی فراتر از این، کسانی معتقدند که داستان راستان از نمونه‌های بسیار موفق ادبیات کودکان است؛ (مرادی، ۱۳۷۸: ۷۳) آن‌سان که وجود این همه تألیف ادبی برای کودکان و نوجوانان و گذر سال‌های متمادی سبب نشده است این اثر جایگاه خود را از دست بدهد. (همان: ۹۵) بدین‌سان، داستان راستان از همان سال‌های نخستین پیروزی انقلاب، نماد ادبیات دینی، به‌ویژه ادبیات دینی کودکان شده است؛ چنان‌که هر وقت خواسته‌اند مثالی از داستان‌های دینی برای کودکان بزنند، فرد اعلای نمونه‌ها، همین کتاب است. (برای نمونه ر. ک: مجیب، ۱۳۸۳: ۱۰)

موفقیت مطهری در تألیف داستان راستان را گاه مرهون توجه وی به ابعاد اجتماعی اسلام دانسته، و خود او را در قیاس با دیگر عالمان از این حیث، برجسته و سرآمد شناخته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶) از منظر برخی، کتاب نمونه بارز توجه به نیازهای بومی، و موفقیتش نیز مرهون همین است. (فیاض، ۱۳۸۵: ۳۵) بارها مطهری را به‌خاطر آنکه با توجه به نیاز جامعه تصمیم به نگارش گرفت و حاضر شد به جای تألیف آثار علمی دیرفهم اثری با مخاطب عمومی پدید آورد ستوده‌اند. (برای نمونه ر. ک: محمدیان، ۱۳۸۷: ۶۳)

با این‌حال، بی‌تردید افزون‌بر اینها، دو قابلیت مهم دیگر کتاب نیز در این رواج گسترده مؤثر بوده‌اند؛ یکی ارزش هنری نثر آن و قابل درک بودنش برای عموم، و دیگر، امکان اعتماد به اصالت حکایت‌هایش به اعتبار نقل عالمی برجسته. در توضیح این دو باید نخست گفت جذابیت هنری اثر تا بدان حد است که در یک نظرسنجی، برخی هنرمندان از آن به‌عنوان بهترین اثری که خوانده‌اند، یاد نموده‌اند. (شادانلو، ۱۳۸۶: ۶۵) گفته‌اند که داستان راستان بسیار بیشتر از آثار هنرمندان حرفه‌ای و ناموری همچون محمود دولت‌آبادی و احمد شاملو یا دیگران فروش رفت و سال‌ها پیش از این قبیل آثار، در میان عموم شهرت یافت. (سعیدی، ۱۳۸۳: ۵)

به‌همین ترتیب، کتاب را بارها از این جهت ستوده‌اند که حکایات تاریخی‌اش به اعتبار نقل عالمی معتبر، قابل اعتماد است. (خلیلی، ۱۳۶۲: ۱۸۷) اگر در جامعه ایران معاصر بخواهند کتابی را مثال بیاورند که استادی بزرگ برای مخاطبانی در سطوح پایین آگاهی تألیف نموده باشد، بارزترین مثال آن همین اثر است. (ر. ک: مختاریپور، ۱۳۸۸: ۱۲۷) برخی داستان‌های کتاب، مطالبی دربردارند که چه‌بسا مخاطبان اگر

آن را از نویسنده‌ای جز شهید مطهری می‌خواندند، نمی‌پذیرفتند. مثلاً، یک جا مؤلف توضیح می‌دهد چگونه عالم برجسته شیعه شریف رضی، برای دانشمندی غیر مسلمان به احترام دانش وی مرثیه می‌سراید. (داستان شماره ۷۰) از همین رو، گاه وقتی نویسندگان دیگر نیز به ضرورت لازم دیده‌اند به این حکایات استناد کنند، افزون بر یادکرد مأخذ داستان در کتب تاریخی، بازنویسی آن توسط شهید مطهری را نیز یاد کرده‌اند. (برای نمونه ر. ک: اسلامی، ۱۳۸۶: ۱۱۵، پاورقی شماره ۱)

اعتماد عمومی نیز به اصالت اثر تا بدان حد است که گاه برخی نویسندگان کتب تاریخی برای عموم، در کنار ارجاع به منابع دست اول بدین اثر هم ارجاع داده‌اند، (حسن بیگی، ۱۳۸۲: ۲۹) یا گاه در مباحث تخصصی و مقالات علمی به داستان‌هایش از باب مشهورات استناد نموده‌اند، (برای نمونه، ر. ک: حسینی، ۱۳۷۶: ۲۷۵ - ۲۷۴؛ ابروانی، ۱۳۸۴: ۱۷۴ پاورقی شماره ۲) در همایش‌های علمی با ارجاع به این داستان‌ها همچون حکایاتی مشهور و مقبول عموم و مستند به نقل عالمی معتبر، استدلال خود را پیش برده‌اند، (برای نمونه، قراگوزلو، بی‌تا: ۵) یا حتی فراتر از این همه، در مقالات علمی - پژوهشی خود به تناسب بحث، نقل این مضامین را توسط شهید مطهری متذکر شده‌اند. (برای نمونه، ر. ک: کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: پانویشت شماره ۶۵)

تحلیل کیفی کتاب داستان راستان

برای آنکه بدانیم پیام اصلی و عمده مؤلف در این اثر چیست، با مطالعه تک‌تک داستان‌های اثر، خواهیم کوشید پیام هر یک را بیابیم و بعد، هرچند پیام را ذیل یک عنوان کلی بگنجانیم. آن گاه با دسته‌بندی این عنوان‌ها و گنجاندنشان ذیل عناوینی کلی‌تر، فصول و بخش‌های مختلف اثر و پیام هر یک از آنها، و سپس پیام کل کتاب را بازخواهیم شناخت. بنا داریم در مطالعه پیش‌رو چنین روشی را تنها برای تحلیل محتوای جلد اول اثر به کار گیریم. بی‌تردید با مطالعات بعدی درباره جلد دوم، درک ما از کلیت اثر دقیق‌تر خواهد شد:

یک. نقد فاعل اخلاقی

هشت حکایت نخست از جلد اول، دو محور موضوعی مستقل را دنبال می‌کنند: فضیلت علم و فضیلت کار. درباره فضیلت علم تنها یک داستان در اول اثر ذکر شده، (داستان ۱) و البته داستانی هم در اواخر آمده است. (داستان ۷۰) مؤلف در اولی بیان می‌دارد که پیامبر ﷺ، ضمن ارزش نهادن به عبادات فردی، کار خود را از جنس دانش‌آموزی شناساندند و داستان دیگر هم حکایت عالمی برجسته - شریف رضی - است که بی‌هراس از نقدها، غیر مسلمانی را به‌خاطر دانش والايش مدح می‌کند.

هفت حکایت بعدی اثر اول، (داستان ۲ - ۸) همه به محور دیگر - ارزش کار - مربوطند. پنج داستان بعدی

بر فضیلت خرجی خود را درآوردن و به غیر متکی، و انگل جامعه نبودن تأکید می‌کنند. روی پای خود ایستادن، خود متکفل کارهای خود شدن، و به دیگران هم یاری رساندن به قدری مهم است که امام چهارم علیه السلام ناشناس به سفر می‌رفته‌اند؛ مبدا حرمتی که برایشان قائلند، مانع از مشارکت ایشان در کارها گردد. (داستان ۷) این پیام بی‌تردید از مهم‌ترین پیام‌های اثر است؛ چنان‌که در داستان‌های پراکنده دیگر نیز بر آن تأکید می‌شود. برای نمونه، نقل می‌شود بند کفش امام صادق علیه السلام گسیخت و ایشان در برابر پیشنهاد ایثارگرانه ابن‌ابی‌یعفور فرمودند: هر کسی باید خود بار مشکل خویش را بر دوش کشد. (داستان ۳۵) از امام کاظم علیه السلام نیز نقل می‌شود که فرمودند: کسانی بهتر از من - چون رسول خدا صلی الله علیه و آله - نیز، برای روزی درآوردن زحمت می‌کشیده‌اند؛ (داستان ۴۷) یا از سیره امام صادق علیه السلام است که در آفتاب سخت کار می‌کردند و می‌گفتند می‌خواهم برای نان درآوردن، زحمت بکشم، نه اینکه آماده خواری کنم. (داستان ۵۶) مطهری خود نیز در مقاله مستقلش با عنوان «کار از نظر اسلام» با یادکرد برخی از این حکایت‌ها، (ر. ک: مطهری، ۱۳۷۳: ۴۲۷ - ۴۲۶) تصریح می‌کند که هنگام تألیف *داستان راستان* هم، تأکید بر قداست کار و تلاش را مدنظر داشته است. (همان: ۴۱۱)

گویی در این قبیل داستان‌ها مؤلف بنا دارد بر این معنا تأکید کند که کارهایی برتر از روزه و نماز هم هست که آنها نیز عبادت و اطاعت امر خدا محسوب می‌شود و نباید پنداشت مقدس‌مآبان، با ارزش‌ترین عبادت ممکن را پی می‌گیرند. کسی که خرجی خود را در می‌آورد، محتاج خلق نیست و به دیگران هم خیری از کار او می‌رسد، بزرگ‌ترین عابد است. (داستان ۲۱) حتی حکایتی مبنی بر این ذکر می‌شود که هر جور عبادتی هم ارزش ندارد؛ مثل عبادت آن کس که خود را به گوشه‌ای نشانده است و کارهای فردیش را دیگران پی می‌گیرند. (شماره ۵) از آن سو، کسی که نه تنها خیری به همسایگان خویش نمی‌رساند، که از شر او هم ایمنی ندارند، هرگز مسلمان محسوب نمی‌شود. (داستان ۵۷) بدین سان، در این داستان‌ها اولاً تأکید می‌شود که عبادت منحصر به ذکر و نماز و روزه‌ای - که برخی مقدس‌مآب‌ها گمان برده‌اند - نیست؛ و ثانیاً، هر جور ذکر و نماز و روزه‌ای هم ارزش ندارد. نخستین محور موضوعی اثر همین است.

محور موضوعی دوم در ترتیب داستان‌های کتاب، مسئله ضرورت توجه به حقوق افرادی است که با ما در یک جامعه زندگی می‌کنند. حتی کسی که با ما چند قدم راه آمده است حقی دارد (داستان ۸) و نباید به بهانه عبادت، حق دیگران را نادیده گرفت. به نظر می‌رسد مطهری با بیان این دو محور موضوعی در آغاز کتاب، می‌خواهد از یک‌سو اصول و مبانی نگرش خود را تبیین کند و از دیگر سو، نگرش‌های رایج در میان طیف گسترده‌ای از متدینان و مقدس‌مآبان عصر تألیف را به نقد کشد؛ کسانی که بالاتر از عبادات فردی، ارزشی سراغ ندارند و معنویت خویش را در کناره‌گیری از جامعه و نادیده انگاشتن حقوق دیگر شهروندان می‌جویند.

دو. نقد روش‌های اخلاقی موجود در جامعه

از این پس به نظر می‌رسد که داستان‌ها تا اواخر کتاب، لزوماً از ترتیب و چینش خاصی پیروی نمی‌کنند؛ اما می‌توان باز هم در آنها پیام‌ها و محورهای موضوعی مشترک را بازجست. از جمله، داستان‌های متعددی در ادامه مباحث فوق در عین تمایزهای ظریف با همدیگر، به نقد روش مقدس‌مآبانی قشری پرداخته‌اند که تمایلی به مشارکت‌جویی در جامعه ندارند، مغرورند و خود را برتر از دیگران می‌شناسند، و در عین حال می‌خواهند با فریاد کشیدن بر سر دیگران، آنها را اصلاح کنند.

نخستین اشکالی که مؤلف بر این صاحبان روش‌ها می‌گیرد، از نظر شیوه برخوردشان با اقشار و طبقات مختلف اجتماع است. داستان نهم تا چهاردهم، شیوه صحیح برخورد بزرگان دینی جامعه با جاهلان را بازمی‌نماید. از قول تنی چند از معصومان علیهم‌السلام آموزش می‌دهد که اگر کسی دشنام هم داد، باز با نیکویی برخورد کن. (داستان ۱۰) اگر بیجا اعتراض می‌کرد، (داستان ۱۱) یا حتی اگر اشتباه عقیدتی داشت، یا تحت‌تأثیر تبلیغات دروغین به اولیای دین هم توهین می‌کرد، (داستان ۱۲) به نرمی هدایتش نما. اگر از جاهلان بود، باید همچون مالک اشتر به جای کینه‌کشی، نماز و دعا در حق نادان کرد. (داستان ۱۸) به هر حال، تا می‌شود باید از خشم گرفتن خودداری کرد. (داستان ۱۳) از آن سو، حتی اگر فرد یقین دارد که صاحب حق است، باز باید ضوابط عدل رایج در جامعه را ارج نهد؛ چنان‌که علی علیه‌السلام چنین می‌کرد. (داستان ۱۴)

پس از یادکرد شیوه صحیح برخورد بزرگان جامعه با جاهلان، در حکایات بعدی جلد اول بر چند محور موضوعی دیگر نیز تأکید می‌شود: شیوه برخورد صحیح زبردستان با طبقات بالاتر، شیوه برخورد با طبقات فروتر، و شیوه برخورد با عموم.

در سخن از شیوه صحیح برخورد با طبقات فراتر، مؤلف در لفافه و به تعریض همگان را نهی می‌کند از بالادستان را به قیمت خفت خویش، ارج نهادن. (داستان ۹) او در همین زمینه شیوه صحیح امام هادی علیه‌السلام را در برخورد اصلاح‌گرانه با حاکمان عصر خویش یادآور می‌شود که سبب می‌گردد وی برای مدتی به خود آید. (داستان ۲۲) حتی درباره شیوه برخورد صحیح با بزرگان دین یادآور می‌شود که به ارتباط با ایشان هم نباید بالید و از برخورد امام رضا علیه‌السلام با احمد بزَنطی مثال می‌آورد. (داستان ۳۷)

در تبیین شیوه صحیح برخورد با فرودستان، بر ضرورت ترک غرور تأکید می‌کند؛ خواه غرور به ثروت، (داستان ۱۷) یا غرور علمی، (داستان ۲۰) یا حتی غرور به مقام معنوی. (داستان ۶۰) او با ذکر داستانی بیان می‌کند که حاکم جامعه باید چون فقیران زندگی کند؛ همچنان‌که تأکید می‌کند آنکه بیش از همه وظیفه خدمتگزاری دارد، بالادست است. (داستان ۱۶) او حتی مثالی از پند گرفتن غزالی از دزدان می‌آورد (داستان ۱۹) و بدین ترتیب، نشان می‌دهد که حتی دون پایه‌ترین طبقات نیز، ممکن است سرمایه‌ای

ارزشمند برای عرضه داشته باشند. مؤلف با ذکر داستان مشهور گریزانیدن تازه‌مسلمان از دین با سخت‌گیری، (داستان ۲۸) هشدار امام صادق علیه السلام را به متولیان هدایت عموم یادآور می‌شود: «روش سیاست اموی بر سخت‌گیری و عنف و شدت است، ولی راه و روش ما بر نرمی و مدارا و حسن معاشرت و به‌دست آوردن دل‌ها است» (مطهری، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۰۱) او در این زمینه، شیوه رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جابر بن عبدالله انصاری را هم یاد می‌کند که قرض‌هایش را پرداختند، شتر و امانده‌اش را به بالاترین قیمت خریدند و بعد به خودش بخشیدند، و بارها نیز برایش آموزش طلبیدند. (داستان ۳۴) مؤلف در داستانی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حتی اگر فقیری هم اعتقاد ما هم نیست، باید به او یاری رسانیم (داستان ۴۰) داستان امام زین‌العابدین علیه السلام را هم باید ذیل این محور بگنجانیم؛ داستانی که سادگی امام علیه السلام در هنگام طواف و درعین‌حال، احترام عموم به او را گزارش می‌کند؛ آن هم درست وقتی که کسی به خلیفه هشام بن عبدالملک وَقعی نمی‌نهد. (داستان ۳۶) به واقع مؤلف در این داستان می‌خواهد نتیجه عملی پابندی به این شیوه زندگی را بازنماید.

پایان‌بخش بحث‌ها در ذیل این محور، پیام‌هایی درباره شیوه برخورد با عموم است؛ کسانی که در یک جامعه با ما زندگی می‌کنند و کمابیش پایگاه و جایگاه اجتماعی‌شان مشابه ماست؛ یا دست‌کم از آن حیث که فرادست یا فرودست ما هستند، مدنظر قرار نمی‌گیرند. مؤلف بدین‌منظور، نخست بر ضرورت مراعات حقوق همسایگان تأکید می‌کند. حکایت همسایه مزاحمی را می‌آورد که پیامبر صلی الله علیه و آله، سه بار امر به تحمل رنجش فرمودند. (داستان ۳۰) از دعای طولانی حضرت زهرا علیها السلام برای همسایگانش می‌گوید که موجب شگفتی فرزند خردسال ایشان شده است، (داستان ۲۴) و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌آورد که هر که با همسایه مدارا نکند، ایمانی ندارد. بعد از تأکید بر حقوق همسایه، با ذکر داستان‌هایی می‌خواهد به خوانندگان بگوید که مردم جامعه ما، گرچه بی‌دین یا بددین، حقوقی دارند که باید مراعات کرد. نیز، اخلاقی نبودن کارهایی مثل برپایی بازار سیاه را یادآور می‌شود؛ (داستان ۳۳) رفتاری که چه‌بسا در میان بسیاری از بازاربان عصر امام صادق علیه السلام هم رایج است و با این‌حال، امام توضیح می‌دهند که چنین کسی را حلال نمی‌دانند و حاضر به حاصل کردن سود از این راه نیستند.

سه. نقد الگوهای رفتاری فاعل اخلاقی

گرچه به نسبت، حکایات کمتری به این بحث اختصاص داده شده است، بلندترین داستان‌های کتاب ذیل این محور می‌گنجد؛ یکی حکایت رویارویی امام صادق علیه السلام با تنی چند از صوفیان، و دیگری، پند امام علی علیه السلام به عاصم. داستان امام صادق علیه السلام و متصوفه، (داستان ۱۵) حدود ده برابر دیگر حکایات، و

دربدارنده پیام‌های مختلف است. مطهری در آن از قول امام صادق علیه السلام تأکید می‌کند که فقر، همیشه فضیلت نیست و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله هم در زمان ناداری عمومی فقیر بوده‌اند. از قول فردی حاضر در مجلس امام نقل می‌شود: «اینها که دم از فضیلت ایثار می‌زنند، مردم را بدان می‌خوانند که مال خود ایثارگرانه به ایشان دهند!» (مطهری، ۱۳۶۳: ۱ / ۴۱) گفته می‌شود با توجه به این همه فضیلت که برای زکات ذکر شده است، اگر فقر نیکو بود نباید به فقرا که سعادت‌مند هستند، چیزی داده می‌شد. نیز، تأکید می‌شود بسیاری از این قبیل مقدس‌مآبی‌ها، به‌خاطر بی‌خبری از قرآن است. در داستان بعد، گفته می‌شود اصولاً فضیلتی ندارد که شخص، خانواده‌اش را برای ایثارگری در مضیقه بگذارد و تنها حاکم جامعه است که وظیفه دارد مثل فقیران زندگی کند. (داستان ۱۶)

راهکارهای اخلاقی

نقد مطهری به شیوه رایج دین‌داری در عصر تألیف اثر، حدود ۶۱ صفحه از ۲۶۱ صفحه محتوا، یعنی اندکی کمتر از ربع کتاب را دربر می‌گیرد. از این پس، وی سراسر به نمودن راهکارها برای اصلاح‌گری بهینه دینی می‌پردازد. بدین منظور اول در قالب ذکر داستان، به چند پیام بنیادین اشاره می‌نماید که همواره باید برای اصلاح اجتماعی در نظر گرفته شوند، سپس راهکارهای اصلاح دینی را در قالب داستان تشریح می‌کند.

یک. اصل محوری

۱. اصل دوری از غرور و جهالت: نخستین اصل اصلاح‌گری دینی از نگاه شهید مطهری، دوری از غرور و جهالت است؛ اینکه فرد اصلاح‌گر، نپندارد خود از هر اشکالی میراً است. خطر این فریفتگی تا بدان حد است که حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم از اینکه یک لحظه خداوند او را به خود وانهد، می‌هراسد. (داستان ۳۲) مطهری از قول امام هادی علیه السلام یاد می‌کند که در قالب ذکر اشعاری به متوکل عباسی فرمودند: «وقتی انسان قرار است خاک شود، چرا این قدر مغرور باشد». (داستان ۲۲) او حکایت امام رضا علیه السلام را ذکر می‌کند که در زمان ولایت عهدی، همانند پیامبر صلی الله علیه و آله با پای برهنه و عاری از همه تکلفات رایج برای نماز عید برون شدند. (داستان ۲۳) نیز، حکایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نقل می‌کند که از قاضی می‌خواهد او را نیز مثل طرف دیگر دعوا با نام بخواند؛ نه با القاب و عناوین. (داستان ۲۵) از آن سو، حکایت امام صادق علیه السلام و صدقه به محتاجی را ذکر می‌کند که امام تا مدحی از وی نشنیده بودند، به کمک خویش ادامه دادند و چون به جای حمد خدا به مدح امام پرداخت، باز نشنستند. می‌خواهد به خواننده بیاموزد هر گاه تمجیدی شنیدند، فریفته نشوند.

۲. اصل ضرورت اعتدال: اصل دوم، ضرورت حفظ اعتدال است. چنان‌که برخی دیگر نیز دریافته‌اند، (شاحیدر، ۱۳۷۹: پانویست شماره ۱۳) ضرورت اعتدال از محورهای موضوعی مهم در این کتاب است. مطهری از بیان پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که «قهرمان‌تر از همه کسی است که در توانایی دست‌درازی، و در ناراحتی غضب بیجا نکند ... و عواطف شخصی موجب نشوند از مرز انسانیت پا فراتر گذارد»؛ به عبارتی دیگر، قهرمان کسی است که اعتدال را وانهد. (داستان ۲۷) مطهری حکایت اصلاح‌گری دلسوز را نقل می‌کند که با خروج از اعتدال، موجب شد مسیحی تازه مسلمانی بار دیگر به دین خویش بازگردد.

اعتدالی که مطهری از آن بحث می‌کند، ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد. یک‌جا از بیان قهرمانان داستان خود آموزش می‌دهد که در تحمل داشتن هم اعتدال باید ورزید؛ زیرا شکیبایی خوب است، اما نه به قیمت دفاع از متجاوز. اعتدال‌ورزی، حتی در استفاده از حقوق مشروع و قانونی فرد هم ضروری است. استفاده از حقوق ذکر شده در قانون جایز است، اما نه به قیمت سوء استفاده و با آسیب رساندن به حقوق دیگران. (ر. ک: داستان ۳۱) مؤلف معتقد است که حتی در دشمنی هم باید معتدل بود. حکایت پاسخ کوتاه و سنجیده پیامبر ﷺ به بدخواهان یهودی خویش، (داستان ۴۱) دربردارنده این پیام است.

مقتضای اعتدال ورزیدن، احترام به آداب و سنن دیگران هم هست، حتی آداب و سنن اقوامی غیر مسلمان. بدین‌منظور، داستان قطع دوستی امام صادق ﷺ با کسی را نقل می‌کند که با تکیه بر نامسلمانی و دور بودن فرد از آداب مقبول شرع، وی را ناسزا گفت. (داستان ۴۸) شدت برخورد امام با دوستی چنین صمیمی نشان از آن دارد که تا چه حد ایشان چنین اعتدالی را لازمه «ورع و تقوی» می‌دانسته‌اند. (ر. ک: داستان، ۱۶۰)

افزون‌براین، برای حفظ اعتدال، برنامه‌ریزی و محاسبه هم لازم است. در قسمتی از کتاب، حکایت تندی امام رضا ﷺ را با غلامان خویش ذکر می‌کند؛ که خلاف دستور امام، فردی را بی‌آنکه قراری برای مزدش بگذارند، به کار گرفته بودند. از قول امام رضا ﷺ بیان می‌کند که چنین فردی هرگز به نصیبتش راضی نخواهد شد و کارفرمایانش نیز، رو به اعتدال نخواهند کرد؛ چرا که اگر مزدش را بدهند، می‌پندارد کم گرفته است و اگر بخشش نیز بکنند، حق خود می‌انگارد. این سنجش به قدری مهم است که امام ﷺ به‌خاطرش با غلامان تندی می‌کنند و بر آنها تازیانه می‌زنند. (داستان ۴۳)

درنهایت، در بیان فضیلت چنین اعتدالی حکایت دو همکار ناهم‌دین را می‌آورد. (داستان ۵۱) بیان می‌کند که آدم معتدل حتی می‌تواند با کسی مخالف مذهبش هم شریک باشد و تا آخر عمر، بدون هیچ مشکلی با او بماند.

۳. اصل حساسیت اخلاقی: سومین اصل مورد تأکید بعد از ترک غرور و حفظ اعتدال، ضرورت توجه به کارهایی است قبیح‌تر از هر جنایتی، که ظاهراً قبحی ندارد و چه‌بسا متدینان خود نیز، بی‌هیچ احساس گناهی

بدان‌ها مشغول باشند. به بیان دیگر، می‌خواهد به داعیان اصلاح‌گری دینی در عصر تألیف کتاب تذکر دهد که باید پیش از کوشش برای اصلاح دیگران، قدری به رفتار خود نیز دقیق‌تر نگرند. بدین‌منظور نخست از لزوم توجه به ساده‌ترین رفتارها می‌گوید؛ اینکه گاه یک لقمه چرب ممکن است موجب دین‌فروشی شود. (داستان ۲۹) یک جا از قول علی‌علیه‌السلام به برادرش عقیل یادآور می‌شود که دزدی فقط از دیوار مردم بالا رفتن و آدم‌کشی نیز، فقط با شمشیر به جان دیگران افتادن نیست. (داستان ۳۸) نیز، با نقل حکایتی یادآور می‌شود خرید از کسی هم که مجبور به فروش ارزان است، یک‌جور دزدی است. (داستان ۳۹)

دو. روش‌محوری

۱. روش ارشاد صحیح: عمده داستان‌ها در نیمه پایانی جلد اول، ذیل این محور می‌گنجد. مطهری با ذکر این داستان‌ها می‌خواهد از تأثیر رفتار و برخورد صبورانه و حلم‌آمیز و منطقی بر اصلاح مردمان لجوج و معاند و متخاصم بگوید. (رک: افروز، ۱۳۶۴: ۲۳) وی در بیان رویکرد اصلاح‌گرانه صحیح، بر سه نکته تأکید می‌نماید: نکته اول و مهم‌تر، که داستان‌های بسیاری به تفهیم آن اختصاص داده شده، ضرورت توجه به معنا و اثر حرف‌ها است. با نقل تأثر پیامبر ﷺ از آیه‌ای که ابن‌مسعود خواند، (داستان ۶۳) مطهری به‌واقع می‌گوید که اثربخشی آیین اسلام هم به همین پیام‌های عمیق است. به قول خود او ضمن یکی از همین داستان‌ها، (ر. ک: مطهری، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۸۳) دین اسلام هرچه دارد از همین سخن و کلام دارد؛ آن‌سان که پیامبر اکرم ﷺ در اوج مصیبت‌های سفر طائف، چون برای دقایقی کوتاه فرصت یافت سخن بگوید، شنونده را در برابر منطق خویش خاضع کرد. (داستان ۶۹)

گاه یک حرف، بیش از یک دنیا تعصب و جار و جنجال، اثربخش است. حکایت ابوذر که در نامه‌ای با یک جمله مخاطب را به فکر فروبرد، (داستان ۴۲) همچنین امام کاظم ﷺ که تنها با پرسشی کوتاه به یاد شراب‌خواره آوردند «بنده است یا آزاد»، (داستان ۴۴) و همین‌طور امام صادق ﷺ که با یک تعریض، فردی منسوب به اهل بیت ﷺ را اصلاح نمودند، (داستان ۵۲) یا مهاجران حبشه که با سخن خود مجلس نجاشی و سرآخر دین او را دگرگون کردند، (داستان ۵۵) یا پیامبر ﷺ که با گفتاری ابوطالب را ثبات قدم بخشید، (داستان ۶۵) و امام صادق ﷺ که در بستر مرگ به‌عنوان آخرین سخن درباره اهمیت نماز گفت، (داستان ۵۸) همه نمونه‌های این اثر و هم‌التفات بزرگان دین بدان است.

از آن‌سو، گاهی هم یک سخن از بسیاری کارهای بد آسیب‌رسان‌تر است. حکایت ابن‌مقفع که سیاه‌بانی‌ش سبب شد او را به تنور اندازند، (داستان ۴۹) و حکایت کشته شدن ابن‌رومی توسط وزیر، (داستان ۵۰) همین اثر منفی و تخریب‌گرانه کلام را تبیین می‌کنند. مطهری حتی توضیح می‌دهد انسان با

خدا هم که حرف می‌زند، باید بداند چه می‌گوید. او شیوه عبادت امام صادق علیه السلام را مثال می‌زند که در پی همین التفات هنگام گفتن «لیبک» حج منقلب شده بودند. (داستان ۴۵)

مطهری در کنار این همه تأکید بر ارشاد زبانی، تنها یک مورد برخورد قاطع و غیرزبانی بزرگان دین با انحرافات را مثال می‌آورد؛ آنجا که امام صادق علیه السلام به مجلسی دعوت می‌شوند و با مشاهده شراب در سفره بازمی‌گردند. (داستان ۶۲)

۲. برنامه‌ریزی و پشتکار: رهنمود دیگر مطهری به اصلاح‌گران، توجه به ضرورت برنامه‌ریزی و پشتکار است. او می‌کوشد خواننده را متقاعد کند کاری که فرد امروز با برنامه‌ریزی و زحمت دنبال کند، سرآخر به نتیجه می‌رسد، خواه کار خوب، و خواه کار بد؛ و البته صبر لازم دارد. بدین منظور داستان علی علیه السلام و درخت کاشتنش را مثال می‌آورد. وقتی امام هسته خرما بار چهارپا کرده بود و از ایشان سؤال می‌شد چه حمل می‌کند، امیدوارانه بار خود را نخل شناساند. (داستان ۴۶) حکایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جمع هیزم از بیابان و استدلال ایشان مبنی بر اینکه گناهان هم این‌چنین اندک اندک جمع می‌شوند، (داستان ۶۱) نمونه‌ای دیگر از تأکید بر نتایج کار زمان‌بَر است. همچنین است قصه سکاکی که در میان‌سالگی قصد تحصیل کرد و دریافت حتی اگر قلبش سنگی سخت باشد، به تدریج آب روان دانش در آن اثر خواهد نمود. (داستان ۶۶) مثال دیگر از این قبیل، داستان شارل دولینه و تحصیل گیاه پزشکی با مرارت و زحمت، و نتیجه نهایی آن است. (داستان ۶۷) سرآخر، دموستنس را مثال می‌زند که با تمرین و تکرار، سخنوری بزرگ شد. (داستان ۶۸)

۳. تفسیر مناسب از موقعیت‌های رفتاری: آخرین توصیه پنهان مطهری به اصلاح‌گران دینی، دوری جستن از تفاسیر جاهلانه دین است. این تفاسیر موجب می‌شود شخص در عین فریفتگی به حسن عمل، غرقه در گناه گردد و دیگران را هم از دین برماند (رک: مطهری، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۱۴) وی بدین منظور، حکایت آن کسی را نمونه می‌آورد که حق‌به‌جانب و جاهلانه با درآمد حاصل از دزدی صدقه می‌داد و با فهمیدن یکی دو نمونه از تأکیدات قرآن بر مستحبات، از عمل به یک اصل قرآنی مهم غافل شده بود؛ (داستان ۶۴) فردی که البته در میان عوام نیز، شهرتی در کار خیر داشت و از جانب امام صادق علیه السلام با صریح‌ترین تعبیر توبیخ شد. مؤلف به هر دلیل ترجیح می‌دهد که در این باره بیشتر مثال نزنند.

سه. توجه به نمونه‌های الگویی

پایان‌بخش جلد اول اثر، داستان افرادی است که نه به ظاهر، که به راستی مقدس و جویای حقیقتند؛ حکایت عنوان بصری که از خدا به دعا و نماز، هدایت جست و راه به محضر امام صادق علیه السلام یافت؛

(داستان ۷۱) یا غزالی که در جستجوی حقیقت از نام و شهرت گذشت؛ (داستان ۷۲) یا ابوذر، که تنها زیست و تنها مُرد و در آخرت هم تنها است؛ (داستان ۷۳) یا امام زین‌العابدین علیه السلام که هرچند بسیار از حاکمی محنت برده بود، وقتی معزولش کردند نخواست «لگد به افتاده» بزند؛ (داستان ۷۵) همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام که با همه وظیفه‌شناسی‌اش نسبت به محرومان، باز می‌ترسید کوتاهی کرده باشد و خود را مسئول می‌دانست و حلالیت می‌خواست. (داستان ۷۵) حکایت زنی به نام نَسِیبه که شجاعانه در هنگامه جنگ احد ایستادگی کرد - همان زمان که بسیاری از مردان گریختند - (داستان ۵۹) از همین قبیل است. ماجرای جوانی را هم که ادعای یقین داشت، باید به این مجموعه ملحق کرد. (داستان ۵۴) او آشفته و بی‌خواب و خور، نه طالب بقا که به راستی شهادت‌جو بود و با دعای پیامبر صلی الله علیه و آله، زود به خواسته‌اش رسید. به‌همین ترتیب، داستان عمر بن عبدالعزیز - که برای جبران اسراف پیشینیان خویش تنها یک پیرهن داشت و هنوز که خشک نشده بود، ناچار بر تن می‌کرد (داستان ۵۳) - از همین قبیل است.

نتیجه

با مطالعه نخستین جلد از داستان راستان به‌نظر می‌رسد این کتاب اثری آسیب‌شناسانه است. مؤلف بنا دارد شیوه معهود بسیاری از متدینان قشری را نقد کند و نشان دهد اولاً، ارزش‌های اصیل اسلامی لزوماً در آنها که ایشان ترویج می‌کنند منحصر نیست و پایه‌پای تأکید اسلام بر عبادات فردی، بر قداست اموری دیگر همچون کار و علم نیز تأکید شده است؛ ثانیاً، بسیاری از آنچه اینان ارزش می‌خوانند، اصالت ندارد و ارزش دانستن اموری همچون فقر، زنده‌پوشی، و گوشه‌نشینی ناشی از بیگانگی با تعالیم حقیقی اسلام، و احیاناً منافع‌جویی است؛ ثالثاً، شیوه صحیح اصلاح دینی، دوری از غرور و هیاهو، کاربرد استدلال متین و سخن‌های سنجیده، برنامه‌ریزی و ممارست، و کوشش برای اصلاح خویش و دوری از کارهای قبیح‌تر از جنایتی است که ممکن است گاهی حتی از برخی مدعیان دین‌داری هم سرزند. مخاطب این کتاب نیز لزوماً کودکان و نوسوادان و ناآگاهان از اصول اسلامی نیستند. آری، البته این اثر برای همه کاربردی است؛ اما شاید مطهری پیش از هر سخنی بنا دارد به مقدس‌مآبان قشری عصر خویش بگوید با وجود آن همه تظاهر به دین‌داری، فاصله بسیاری با تعالیم اصیل اسلام دارند. وی به انتقاد بسنده نمی‌کند و حجم عمده اثر خویش را مثبت‌اندیشانه به آموزش راهکار اختصاص می‌دهد. مطهری در این اثر بنا ندارد از شیوه رایج دین‌داری در عصر خویش دفاع کند، یا از رفتارهای قشری و مقدس‌مآبانه‌ای که گاه و بیگاه در میان متدینان رایج است. او در بازخوانی اخلاق اصیل اسلامی، حتی ضرورتی نمی‌بیند که همواره از بزرگان دین اسلام و مکتب تشیع نقل حکایت کند. بنا دارد نوگرایانه

مکتبی اصیل را بازنمایاند؛ مکتبی که خلاف درک رایج آن عصر، چه‌بسا ارزش‌های اصیلش منحصر در آنها نباشد که متدینان قشری را بدان می‌شناسند.

به این معنا، حتی می‌توان گفت که داستان راستان، اثری پیشگام در ایجاد وحدت نسل مسلمان قدیم و دانشگاهیان نوگرای آن عصر، یا به تعبیری بهتر، وحدت حوزه و دانشگاه نیز بوده است. مطهری در جامعه‌ای زیست که میان باورها و نگرش‌های درس‌خوانده‌های نظام آموزشی نوین (دانشگاه) و ارزش‌هایی که جریان غالب نظام آموزشی سنتی (حوزه) در آن عصر ترویج می‌کرد، نوعی تعارض دیده می‌شد. می‌توان گفت که تعارض میان متدینان قشری و درس‌خوانده‌های دین‌گریز، در واقع نتیجه تعارضی پنهان‌تر میان جریان‌های غالب فکری در آن دو نظام آموزشی بود که این دو نوع محصول را می‌پروردند. مطهری کوشید میان این دو نظام آموزشی آشتی برقرار کند (وحدت حوزه و دانشگاه) و نشان دهد ارزش‌های حقیقی نظام آموزشی سنتی چیزهایی است که می‌تواند بسیار مقبول درس‌خوانده‌های نظام آموزشی نوین هم باشد؛ البته، به شرط آنکه قشری‌نگرانه تفسیر نشوند. در ایجاد این وحدت، بیشتر بر آسیب‌شناسی رفتار متدینان و مروجان دین که در رأسشان حوزویان بودند، تأکید کرد و از موضع یک عالم برجسته، کوشید نشان دهد قرائت دینی رایج در میان قشری‌گرایان، یگانه درک ممکن از تعالیم اسلامی نیست.

راز موفقیت اثر و اقبال گسترده بدان را نیز در همین باید جست که مؤلف در ایجاد چنین وحدتی، بر وظیفه و تأثیر متدینان بیش از دیگران تأکید می‌کند. مطهری خوانشی از اخلاق اسلامی اصیل در این اثر باز نمود که موجب شد نسل نوگرای تحصیل‌کرده فراری از کردارهای مقدس‌مآبان قشری، گم‌شده خود را در دین بجویند.

منابع

۱. اسلامی، حسن، ۱۳۸۶، «نوشتن در جزایر پراکنده، فقر علمی یا ضعف اخلاقی»، پژوهش حوزه، ش ۳۱ - ۳۰.
۲. افروز، غلام‌علی، ۱۳۶۴، «نگرشی بر هدف‌ها و روش‌ها در تعلیم و تربیت اسلامی»، روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ش ۳۳.
۳. اکرمی، جمال‌الدین، ۱۳۸۴، «گوناگونی تکنیک در تصویرگری کتاب‌های دینی»، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۹۲.
۴. ایروانی، جواد، ۱۳۸۴، «خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث»، الهیات و حقوق، ش ۱۷.
۵. بسطامی، مجید، ۱۳۷۴، «مردی که زیاد می‌دانست»، نقد سینما، ش ۵.
۶. پوراحمد، محمدرضا، ۱۳۷۷، «رمان تاریخی و مذهبی، بایدها و نبایدها»، مشکوة، ش ۶۱ - ۶۰.

۷. پورمند، حسن، ۱۳۸۳، «گفتگو درباره پیشینه فعالیت‌های ادبی در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی»، *ادبیات داستانی*، ش ۸۱
۸. جهانگرد، یدالله، ۱۳۶۷، «کمک اولیاء در آموزش فرزندان»، *پیوند*، ش ۱۰۴
۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، «رسانه در حدیث بزرگان: سخنرانی به مناسبت سالگرد شهادت شهید مطهری»، *رواق هنر و اندیشه*، ش ۳۴
۱۰. حداد عادل، غلام‌علی، ۱۳۶۲، *مصاحبه، رشد معلم*، ش ۷
۱۱. حسن بیگی، علی، ۱۳۸۲، «تاریخ اسلام از بعثت نبوی تا حکومت علوی»، *کتاب ماه دین*، ش ۷۵ - ۷۴
۱۲. حسینی، احمد، ۱۳۷۶، «حقوق گردشگران غیر مسلمان در کشورهای اسلامی»، *فقه*، ش ۱۴
۱۳. خزایی، حسین، ۱۳۸۸، «ایران معاصر: گفتمانی که غالب شد»، *زمانه*، ش ۸۵ - ۸۴
۱۴. خلیلی، اکبر، ۱۳۶۲، «نگرشی بر هنر اسلامی نویسی»، *قاموس*، ش ۴
۱۵. دزاکام، علی، ۱۳۷۹، «مطهری و تساهل»، *کتاب نقد*، ش ۱۵ - ۱۴
۱۶. دوانی، علی، بی تا، «مرزداران حماسه جاوید»، *کیهان فرهنگی*، سال یازدهم، ش ۲
۱۷. دیانی، محمدحسین، ۱۳۶۶، «سه فرمول برای تشخیص سطح خوانایی نوشته‌های ویژه نوسوادان»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ش ۳۹
۱۸. زمانی وجدانی، مصطفی، ۱۳۶۸، *داستان‌ها و پندها*، تهران، پیام آزادی.
۱۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۴، «ویژگی‌های شخصیتی شهید مطهری»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال چهل و پنجم، ش ۷
۲۰. سرشار، محمدرضا، ۱۳۸۵، «سرشار سرشار: گفتگو با محمدمهدی خالقی»، *سوره اندیشه*، ش ۲۹
۲۱. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین عبدالله، ۱۳۵۶، *بوستان، ضمن کلیات سعدی*، به کوشش محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر.
۲۲. سعیدی، نعمت‌الله، ۱۳۸۳، «درآمدی بر بحران مخاطب در هنر انقلاب»، *سوره اندیشه*، ش ۱۴
۲۳. شاحیدر، عبدالکریم، ۱۳۷۹، «نظریه اعتدال»، *مصباح*، ش ۳۳
۲۴. شادانلو، پریسا، ۱۳۸۶، «بهترین کتابی که تازه خوانده‌اید، چیست؟»، *حافظ*، ش ۴۷
۲۵. شاکری، احمد، ۱۳۸۵، «در وادی ادبیات»، *ادبیات داستانی*، ش ۱۰۱
۲۶. صحرايي، اکبر، ۱۳۸۷، «تأثیر ادبیات داستانی انقلاب اسلامی ایران بر ادبیات داستانی معاصر ایران»، *کتاب ماه ادبیات*، ش ۱۳۶
۲۷. عامر، خان محمد، ۱۳۷۸، «پاسداران زبان و ادبیات فارسی در هند»، *نامه پارسی*، سال چهارم، ش ۳

۲۸. علیان‌نژاد، میرزاباقر، ۱۳۸۵، «میزگرد بررسی دائرةالمعارف انقلاب اسلامی، با حضور محمداصداق کوشکی و دیگران»، *سوره اندیشه*، ش ۲۵.
۲۹. عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۴، «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی»، *کتاب نقد*، ش ۳۷.
۳۰. فتاحی، حسین، ۱۳۷۹، «انقلاب تألیفی»، *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، ش ۲۰.
۳۱. فردی، امیرحسین، ۱۳۷۹، «خودباوری و وجه تمایز ماست»، *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، ش ۲۰.
۳۲. فروغی، عباس، ۱۳۸۴، «ادبیات داستانی و اندیشه‌گری»، *پژوهش و حوزه*، ش ۲۴ - ۲۳.
۳۳. فیاض، ابراهیم، ۱۳۸۵، «اشرافیت معرفتی در مصاف با علم بومی»، *سوره اندیشه*، ش ۲۵.
۳۴. کرمی، فیروزه، ۱۳۸۲، «استاد شهید مرتضی مطهری، رموز توفیق و ماندگاری»، *قبسات*، ش ۳۱ - ۳۰.
۳۵. کریمی‌نیا، محمدمهدی، ۱۳۸۵، «سیره پیامبر اعظم ﷺ در همزیستی با غیرمسلمانان»، *فقه و اصول*، ش ۲ - ۱.
۳۶. مجتوبی، جلال‌الدین، ۱۳۶۳، *ترجمه جامع السعادات نراقی*، تهران، حکمت.
۳۷. مجیب، فرشته، ۱۳۸۳، «از قصه تا قصه‌گویی: گزارش سی و نهمین نشست نقد آثار ادبی»، *کتاب ماه کودک و نوجوان*، ش ۷۹.
۳۸. مجیدی، عنایت‌الله، ۱۳۴۹، «آثاری از استادان دانشکده الاهیات که برنده جایزه سلطنتی یا یونسکو شده است»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۴ - ۳.
۳۹. محبوب، حسن، ۱۳۸۷، «فرهنگ اعلام تاریخ اسلام در بوته نقد»، *کتاب ماه کلیات*، ش ۱۲۷.
۴۰. محقق، جواد، ۱۳۷۸، «فرزند زمان: یاد از مصطفی زمانی»، *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، ش ۱۸.
۴۱. محمدیان، محی‌الدین، ۱۳۸۷، «مصاحبه با فاطمه شیرازی»، *سوره اندیشه*، ش ۳۹.
۴۲. مختارپور، علی‌رضا، ۱۳۸۸، «مولانای قرآن»، *خردنامه همشهری*، ش ۳۴ - ۳۳.
۴۳. مرادی کرمانی، هوشنگ، ۱۳۷۸، «چند پرسش در باب ادبیات دینی کودکان»، *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، ش ۱۸.
۴۴. مرشدزاده، نفیسه و حامد هادیان، ۱۳۸۹، «سرگذشت دو جلد داستان راستان»، *خردنامه همشهری*، ش ۵۶.
۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، «تفکر زنده و تفکر مرده»، *مقالات و بررسی‌ها (ویژه فلسفه و کلام اسلامی)*، ش ۳۷.
۴۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، *حق و باطل، به ضمیمه «احیای تفکر اسلامی»*، تهران، صدرا.
۴۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، *داستان راستان*، ج ۱ و ۲، قم، صدرا.
۴۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران، صدرا.
۴۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران، صدرا.

۵۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *بیست گفتار*، تهران، صدرا.
۵۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
۵۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *حماسه حسینی*، تهران، صدرا.
۵۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۱، *داستان راستان*، ج ۲، تهران، صدرا.
۵۴. مطهری، مرتضی، بی تا، *مقدمه برای یکی از مجلدات تألیف نشده داستان راستان*، ضمن «سرگذشت دو جلد داستان راستان» (بنگرید به: همین منابع و مآخذ، مرشدزاده)
۵۵. مکارم، محمدحسن، ۱۳۸۹، «شهید مرتضی مطهری، معلم یک عصر»، *رشد معلم*، ش ۲۴۹.
۵۶. میرزایان بروجنی، احمد، ۱۳۷۸، *داستان راستان شهید مطهری در قالب نظم*، تهران، سیاست.
۵۷. میری، محمدجواد، ۱۳۸۱، *داستان راستان در هشتاد دقیقه*، تهران، میراث اهل قلم.
۵۸. ناجی، سعید، ۱۳۸۴، «مفهوم فلسفه در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان»، *نامه علم و دین*، ش ۲۸ - ۲۵.
۵۹. نراقی، مهدی، بی تا، *جامع السعادات*، به کوشش محمد کلاتر، نجف، دار النعمان.
۶۰. نویسنده ناشناس الف، ۱۳۸۵، «اخبار»، *سوره اندیشه*، ش ۲۵.
۶۱. نویسنده ناشناس ب، ۱۳۸۵، «خبرها»، *سخن عشق*، ش ۲۹.
۶۲. نویسنده ناشناس پ، ۱۳۷۳، *ده داستان از داستان راستان*، بازنویسی مدیریت آموزش مداوم، تهران، نهضت سوادآموزی، معاونت آموزش.
۶۳. نویسنده ناشناس ت، ۱۳۷۸، «فرهنگ سریال‌های تلویزیونی ایران از آغاز تا امروز»، *فیلم*، ش ۲۴۵.
۶۴. نویسنده ناشناس ث، ۱۳۸۷، «گزارشی از برنامه‌های سالگرد شهادت آیت‌الله مرتضی مطهری»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۶۱.
۶۵. نویسنده ناشناس ج، ۱۳۴۴، *نامه کمیسیون ملی یونسکو در ایران با موضوع اعطای جایزه فرهنگی به شهید مطهری برای کتاب داستان راستان*، مورخه ۱۳۴۴/۱۱/۲۴، ضمن *جلد اول داستان راستان مطهری*، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.
۶۶. نویسنده ناشناس چ، ۱۳۶۴، «همکاری مریبان با کادر دبستان»، *رشد معلم*، ش ۲۸.
۶۷. نیشابوری، غلامرضا، ۱۳۷۵، *سرگذشت‌های تلخ و شیرین قرآن*، قم، سید جمال‌الدین اسدآبادی.
۶۸. هاشمی گلپایگانی، صالح، ۱۳۸۹، «میراث علمی استاد مطهری مخاطب را نقاد می‌کند - مصاحبه با رمضان‌علی ابراهیم‌زاده گرجی»، *رشد آموزش قرآن*، ش ۲۸.
۶۹. یزدی، کاظم، ۱۳۸۶، «سخنرانی در جلسه رونمایی فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، به گزارش علی محمدی»، *کتاب ماه دین*، ش ۱۱۹ - ۱۱۷.